

Am6 Emadd9
 من به سرزمین دلتنگی تو تبعیدم بی تو هیچ پنجره ای بر دل من باز نشد

Em B7 Cmaj7 B7
 آتشم میزند هر شب خیالت با من عشق یعنی همین سوختن و تنها ماندن

Am6 E7 Em
 بی گمان غرق هوایت میشم باز از تو تمامم جاریست

Em B7 Cmaj7 B7
 هیچ زخمی در تنم جا نماند جز عشقت جز عشقت که به زخم کاریست

Em Am6
 من دپارم به تو و معجزه ی پشیمانت به همان فاطره ی لمس تب دستانت

Em B7 B Cmaj7 B7
 به همین شعری که از چشم تو من آموختم آه در بازی عشق مثل شمع سوختم

Am6 Emadd9
 در و دیوار جهان پر شده از تصویرت خواب و بیداری من پیست بگو تعبیرت

Em B7 Cmaj7 B7
 من که آزادم و از فکر جهان بیزارم ترس دارم بشود فکر کسی درگیرت